



### مقایسه جایگاه اجتماعی زن در اسلام و غرب/ تفاوت محوری عاطفه با شهوت

اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود، ولی دنیای کنونی، حجاب را از زن می گیرد تا به شکل لعبه به بازار بیاید و غریزه را تامین کند.

خبرگزاری مهر- اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود، ولی دنیای کنونی، حجاب را از زن می گیرد تا به شکل لعبه به بازار بیاید و غریزه را تامین کند. قرآن درباره حقوق زن می فرماید: ای اهل ایمان برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به میراث گیرید و بر زنان سخت گیری و بهانه جویی مکنید که قسمتی از آنچه مهر آنها کرده اید، به جور بگیرید! مگر عمل زشت و ناشایستی از آنها آشکار شد و با آنها در زندگانی با انصاف و خوش رفتار باشید و چنانچه دلپسند شما نباشند اظهار کراهت مکنید، بسا چیزهای ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیاری قرار داده است.

مسائل مربوط به حقوق زن، بخشی مرتبط به ارث و بخشی مربوط به نکاح و تعدد زوجات و مهریه و مانند آن است. این گونه مسائل را عده فراوانی چون مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان بیان کرده اند و متاخران هم با رهنمودهای آن بزرگ مفسر جهان اسلام، کتاب هایی نوشته اند.

قرآن در بخش مسائل اجتماعی درآیه گذشته می فرماید: با زنها معاشرت نیک و معروف داشته باشید و زن را درمجامع خود راه دهید و اگر خوشایندتان نیست که آنها در مجامع شما شرکت کنند، این کار ناخوشایند را تحمل کنید زیرا ممکن است خیر فراوانی دراین کار باشد و شما ندانید.

معاشرت گرچه در زمینه امور خانودگی است، اما اختصاصی به آن ندارد؛ زیرا ملاک آن در مسائل اجتماعی نیز وجود دارد. گاهی بر اثر تعصب جاهلی یا رواج فرهنگ نادرست یا تعصب خام و مانند آن، مردان خوش نمی دارند که زنان مانند آنها در جامعه و صحنه های سیاست، درمان و پزشکی، فرهنگ و تدریس و ... سمت و حضور داشته باشند، لیکن باید این امر را تحمل کنند شاید خیر فراوانی دراین کار باشد که نمی دانند.

معروف، هر چیزی است که نزد عقل و پیش وحی و صاحب شریعت به رسمیت شناخت شده و غیر آن منکر و ناشناخته است. قرآن می فرماید که با صنف زن به گونه ای رفتار کنید که عقل و شرع آن را به رسمیت می شناسد و این قشر عظیم را منزوی و با آنها بدرفتاری نکنید.

سپس می فرماید: اگر نمی پسندید که زنها را از حیات اجتماعی صحیح و سالمی برخوردار باشند، بدانید که این کراهتتان نارواست.

جهاد و دفاع امری موقتی است، اما حضور زن در صحنه، هر روز و همیشگی است و همین حیات اجتماعی زن است که می تواند در فرهنگ و تربیت و جهاد و دفاع سهم موثر ایفا کند..

کسانی که نتوانسته اند با زنان جامعه معاشرت معروف داشته باشند و از عواطف آنان طرفی بسته، از احساسات و رقت قلب آنان مدد بگیرند، به نام آزادی، زن خود را مسخر غرایز نموده اند؛ بی آنکه مسخر عواطف شوند، ولی اسلام، زن را آزاد و جامعه را مسخر عواطف کرده است؛ از این رو جامعه ای عاطفی بنا کرده و رافت و رحمت در جامعه اسلامی قرار داده است. نبود عاطفه در بعضی جوامع، کشتار بی رحمانه انسان های بی گناه به دست ابرقدرت ها و دست نشاندگان آنها با بمب های شیمیایی، با اینکه آنها ظاهراً طرفدار آزادی و مدعی به صحنه آوردن او هستند، شاهد است که اینها مسخر غریزه و شهوت قدرت شده اند و نه مسخر عاطفه و محبت؛ یعنی از هنر و فضیلت و جمالی که خدا به نام عاطفه، رحم و رقت به زن داده است، آنان محروم اند.

آنچه را ذات اقدس الهی به فطرت و روح زن داده، به عنوان یک فضیلت به او عطا کرده است؛ ولی دنیای مادی، زن را در معرض نمایش غرایز آورده و بر درندگی جامع افزوده است.

اینکه حضرت امیر مومنان (ع) می فرماید: زن مانند عقرب است که نیشش درآغاز شیرین ولی مسموم است و نیز روایاتی شبیه این هشدار به مرد است تا فریب شهوت خود را نخورد. نیش عقرب مانند نیش زنبور عسل است و نظیر سوزن نیست، بلکه اگر انسان نداند که عقرب است، از نیش آن احساس لذت و شیرینی می نماید؛ مانند شیرینی ای که ظاهرش شیرین اما درونش تلخ و مسموم باشد.

بر این اساس ، امیر مومنان (ع) نمی فرماید که زن عقرب است، بلکه می فرماید: خود را با نگاه به نامحرم آتش ندهید. دیدن نامحرم شیرین اما این گناه درونش عقرب است، چنان که اگر زنی به دام مرد بیفتد، آن مرد پرستی عقرب می شود و میان زن و مرد فرقی نیست؛ منتها چون جاذبه از سوی زن بیشتر است حضرت به آن اشاره نموده است. نتیجه جمله امیر مومنان مذمت زن نیست؛ بلکه مذمت نگاه به نامحرم است.

همه انبیاء، اولیاء، حکما، عرفا، صالحان و صدیقان و شهدا درحین دنیا به کمال رسیده اند. آنان اگر به دنیا نمی آمدند، خاک یا نطفه ای بودن که همراه پدر دفن می شدند و به کمال نمی رسیدند ولی هنگامی که به بازار دنیا آمدند و داد و ستد کردند سود بردند؛ زیرا همه خوبان در دنیا خوب شدند؛ پس اگر کسی به طمع زرق و برق دنیا خود را گرفتار نمود، مانند آن کودکی است که نشناخته، پشت مار ابلق را لمس می نماید یا با نیش عقرب بازی می کند.

مسلمانان زن ها را به حجاب دعوت می کنند، اما از عاطفه زن به عنوان یک محور تربیتی استفاده می کنند. اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود، ولی دنیای کنونی ، حجاب را از زن می گیرد تا به شکل لعبه به بازار بیاید و غریزه را تامین کند و چنین زنی دیگر معلم عاطفه نیست. او فرمان شهوت می دهد؛ نه گذشت، و شهوت جز کوری و کری چیزی به همراه ندارد؛ از این رو اسلام اصرار دارد که زن به جامعه بیاید، ولی با حجاب که درس عفت و عاطفه دهد نه آموزش شهوت و غریزه.